

بازاندیشی مأموریت‌های ترویج کشاورزی، در فرآیند توسعه پایدار کشاورزی

حجت ورمزیاری^{۱*}، عنایت عباسی^۲ و علی اسدی^۳

^۱ دکتری توسعه کشاورزی دانشگاه تهران آستادیار آموزش کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس، آستاد گروه مدیریت و

توسعه کشاورزی دانشگاه تهران،

Varmazyari@ut.ac.ir

لازمه نقش‌آفرینی ترویج کشاورزی ایران در افزایش درآمد و اشتغال روستایی و نهایتاً توسعه فقرزدا، بازاندیشی مأموریت‌های آن و گذار از عرضه‌محوری به تقاضامحوری است. ترویج کشاورزی در ایران، به صورت نظام عرضه‌محور و در چارچوب برنامه‌ریزی متمرکز کشاورزی، اغلب بر گسترش تولید محصولات اساسی و تأمین امنیت غذایی متمرکز بوده است. از این‌رو، در موارد قابل توجهی، با تشویق کشت محصولات اساسی به‌ویژه در بوم‌نظام‌های شکننده، نه تنها در توسعه پایدار کشاورزی و روستایی اثربخش نبوده است، بلکه در جهت عکس آن نیز اقدام کرده است. همچنین با وجود تولید ادبیات پژوهشی نسبتاً گسترده در زمینه دانش بومی کشاورزان، نظام ترویج کشاورزی در کشور نتوانسته با توسعه راهبردهای کارآفرینانه و برد-برد، از آن صیانت نموده و در عین حال، در قالب رهیافت اقتصاد فرهنگ، آن را به یکی از منابع معیشتی کشاورزان محروم مبدل سازد. ترویج کشاورزی کشور هنوز دستور کار جامع و مشخصی در زمینه تحقق توسعه فقرزدا و توأم ساختن پیشرفت و عدالت با یکدیگر را نداشته و کماکان رویه تکراری چندین دهه پیش را ادامه می‌دهد. مطالعه کنونی، پس از ارزیابی رویکردهای ترویج کشاورزی و بررسی تجارب موفق کشورهای هند، چین و ویتنام، راهکارهای مؤثر بر حفظ پویایی ترویج کشاورزی را پیشنهاد می‌کند. بازاندیشی در مأموریت‌های ترویج کشاورزی و گذار آن از عرضه‌محوری به تقاضامحوری، در گرو تحقق حداقل سه تغییر نهادی است. اول اینکه، ترویج کشاورزی بر اساس آمایش سرزمین، باید اولویت بیشتری را برای کشت محصولات کشاورزی با ارزش و کاربر قائل شود. دوم اینکه، در سازماندهی کشاورزان خرده‌مالک به منظور دستیابی به صرفه‌مقیاس و ورود به زنجیره‌های ارزش نقش فعالی ایفا کند. سوم اینکه، از نظام برنامه‌ریزی ترویج، تمرکززدایی شده و کارگزاران ترویج، در تحقق برنامه‌ریزی محلی و به‌ویژه در ظرفیت‌سازی کشاورزان برای پایش و ارزشیابی اجتماع‌محور پروژه‌های توسعه کشاورزی و روستایی تسهیل‌گری کنند.

واژه‌های کلیدی: تغییر نهادی، پایش و ارزشیابی اجتماع‌محور، توسعه فقرزدا.